

تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی؛ بر اساس مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

تذکر:

اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، سندی علمی و کاربردی است که بر اساس مفاهیم آن می توان "چرائی، چیستی و چگونگی تولید" الگوی پیشرفت اسلامی را تبیین کرد. تبیین این نقشه راهبردی در سه منزلت ۱- معرفی اجمالی نقشه راه ۲- تبیین مبانی نظری و چگونگی تولید نقشه راه ۳- و تبیین چگونگی به کارگیری نقشه راه در تدوین سیاست های کلان و احکام برنامه صورت می پذیرد. در نوشتار زیر به معرفی و تبیین اجمالی این نقشه می پردازیم. (منزلت اول) مفاهیم زیر در "نشست های معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" در قالب "نشست های خانگی"، "نشست های رسانه ای" و "نشست در مراکز حوزوی، دانشگاهی و اجرائی" با نخبگان انقلاب در میان گذاشته می شود.

۱- تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی؛ مقدمه ای لازم برای شناخت اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

برای شناخت اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، لازم است تا پژوهشگران محترم با "جهت حرکت انقلاب اسلامی" آشنا باشند. در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی تبیین "جهت حرکت انقلاب اسلامی" با تبیین سه اصطلاح مبانی انقلاب، مراحل تحقق مبانی انقلاب و موضوعات انتقال مراحل انقلاب تشریح شده است. قبل از بررسی دیدگاه های سه گانه مطرح در مدیریت تحولات انقلاب، به تشریح اجمالی جایگاه "جهت حرکت انقلاب اسلامی" در این نقشه راه و جایگاه تبیین مبانی انقلاب در تبیین "جهت حرکت انقلاب اسلامی" می پردازیم.

۱/۱- شباهت جایگاه جهت در مباحث نقشه راه به جایگاه پی در ساختمان

اگر مفاهیم یک تحلیل و یا یک استدلال را به ساختمانی تشبیه کنیم؛ در خواهیم یافت که نقش مفاهیم به کار گرفته شده در یک بحث، همانند مصالح به کار گرفته شده در ساخت یک ساختمان است. به عبارت دیگر همانطور که در شکل گیری یک ساختمان اجزاء ساختمان به یک اندازه نقش ندارند در ساختمان یک بحث هم، نقش همه مفاهیم یکسان نمی باشد. در یک بحث، برخی از مفاهیم، حکم پی و اسکلت را دارند؛ که انسجام و تفاهم گسترده ساختمان بحث، وابسته به تحلیل این مباحث محوری است. بر این اساس در ارائه تحلیل و تعریف از انقلاب اسلامی و تحولات ناشی از آن-در ابتدای بحث- باید به دنبال تبیین بحث محوری یا همان پی بحث در نظام تحلیلی خود از انقلاب باشیم. البته این بحث محوری باید قابلیت تممیم به عرصه های سیاست، فرهنگ و اقتصاد در همه زمانها و در همه مکانها را داشته باشد. در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی نام این بحث محوری "جهت حرکت انقلاب اسلامی" است. بدون تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، جایگاه و مفهوم هیچ کدام از اجزای نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی تبیین نمی شود. به عبارت بهتر تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، لنگرگاه گریز ناپذیر همه مباحث مطرح شده در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است؛ که بدون فهم آن تشریح محورهای ۸۱ گانه نقشه راه ممتنع می باشد. مبتنی بر این مطلب در ابتدای بحث به تشریح مفهوم "جهت حرکت انقلاب اسلامی" در این نقشه راه می پردازیم.

۱. چالش اصلی همه ی تحولات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلابها - صیانت از جهتگیری های اصلی این انقلاب یا این تحول است. این مهمترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدفی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت میکند. این جهتگیری باید حفظ شود. اگر جهتگیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. امام خامنه ای-۱۴/۳/۱۳۸۹

۱/۲- شناسائی مبنا، یا ایده محوری انقلاب؛ محور اول تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی

همانطور که اشاره شد در این نقشه راهبردی و کاربردی با استفاده از سه اصطلاح مبنای انقلاب، مراحل تحقق مبنای انقلاب و موضوعات انتقال مراحل انقلاب، جهت حرکت انقلاب اسلامی تشریح شده است. برای دستیابی به فهمی مشترک از "جهت حرکت انقلاب اسلامی" به عنوان یک تحول اجتماعی بزرگ- در اولین گام باید به شناسائی مبنائی صحیح برای مدیریت تحولات انقلاب پردازیم. در باب اینکه مدیریت تحولات اجتماعی -در دوران انقلاب اسلامی- باید بر اساس چه مبنائی مدیریت شود؟ سه دیدگاه مطرح است. "جریان روشنفکری"، "جریان فهم سنتی از اسلام" و "جریان اسلام ناب" هر کدام بر اساس اصولی- که در ادامه خواهد آمد- به تشریح مبنا و هدف انقلاب اسلامی از دیدگاه خود پرداخته اند. در ابتدای بحث به بررسی و تبیین دیدگاه "جریان روشنفکری" در باره ی "مبنای صحیح برای مدیریت تحولات انقلاب اسلامی" می پردازیم:

۱/۲/۱- اصلاح هویت اسلامی، پیشنهاد جریان روشنفکری به عنوان مبنا و ایده محوری در مدیریت تحولات اجتماعی

جریان روشنفکری تحلیل و برنامه ریزی در تحولات اجتماعی انقلاب را بر اساس مبنای "اصلاح هویت اسلامی" تئوریزه می نماید و خواستار آن است؛ که در تحولات اجتماعی به سمت ایجاد سازگاری میان دین و ارزشهای مدرن حرکت شود. این جریان برای اثبات صحت و کارآمدی پیشنهاد خود به سه اصل اجتناب ناپذیر زیر در اندیشه خود استناد می کند:

۱- اجتناب ناپذیری پذیرش مدرنیته برای دستیابی به زندگی بهتر

۲- اجتناب پذیری برنامه ریزی علمی و دقیق برای تسریع فرآیند مدرنیزاسیون در ایران

۳- اجتناب ناپذیری اصلاح فرهنگ جامعه میزبان مدرنیته به نفع ارزشهای مدرن.

این سه اصل در اندیشه جریان روشنفکری، به عنوان اصولی اجتناب ناپذیر، پذیرفته شده است. ایشان مبتنی بر این اصول پیشنهاد می کنند تا پرچمداران فرهنگ مذهبی در جامعه ایران- به عنوان یکی از جوامع میزبان مدرنیته- به اصلاح هویت اسلامی به نفع ارزشهای مدرن راضی شوند. به روزترین و پر مصداق ترین موارد درخواست برای اصلاح هویت اسلامی -از سوی روشنفکران- به مسئله تعارض کنوانسیون حقوق بشر با برخی احکام قطعی شریعت منور اسلامی -مانند حکم حیات بخش قصاص- باز می گردد. بر اساس اصول فوق الذکر؛ برخی روشنفکران، به صراحت خواستار نسخ برخی آیات به نفع حقوق بشر شده اند. همچنین بر اساس این اصول روشنفکران در ایران خواستار دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی جمهوری اسلامی شده اند. ساختار سیاسی در جمهوری اسلامی به محوریت تئوری ولایت مطلقه فقیه تحلیل می شود؛ که استنادات آن بر پایه فرهنگ مذهب و در تعارض با فرهنگ سیاسی مدرن تئوریزه شده است. جریان روشنفکری، اتکاء به ایده اصلاح هویت اسلامی، را مختص به موارد فوق نمی داند و این مسئله در اندیشه ایشان به عنوان مبنا و ایده ای محوری - که در همه عرصه ها و در همه مکانها آن را به تناسب قابلیت طرح دارد- مطرح است. جریان روشنفکری برای مدیریت تحولات اجتماعی مبنا و ایده محوری خود را به عرصه تحول در حوزه، تحول در دانشگاه و تحول در اجراء ترجمه می کند. آنها در حوزه های علمیه به دنبال عرفی سازی فقه، در دانشگاه های ایران به دنبال ظرفیت سازی برای تئوریزه کردن فرآیند مدرنیزاسیون و در ساختارهای اجرائی به دنبال اجرای wdi^۲ هستند.

^۲. شاخص های جهانی توسعه سال ۲۰۰۹-(WDI)

۱/۲/۱/۱- تعریف انقلاب اسلامی به کاتالیزور مدرنیزاسیون در ایران، در اندیشه روشنفکران

جریان روشنفکری در پاسخ به تعارض آشکار اندیشه خود با اندیشه های امام خمینی - به عنوان معمار اصلی انقلاب اسلامی - عنوان می دارند که؛ اگرچه انقلاب اسلامی در ابتدا برای حفظ و گسترش هویت اسلامی پدید آمده است ولی در نهایت به دلیل فقدان قدرت نظام سازی در فقه شیعه، عالمان دین در نهایت اصلاح هویت اسلامی و سکولاریسم را خواهند پذیرفت. روشنفکران معتقدند که عامل اصلی در عدم دستیابی جامعه ایران به توسعه غربی، مقابله عالمان دینی با لوازم زیربنائی توسعه و اصلاح هویت اسلامی است؛ که این مانع با بدست گیری قدرت اجتماعی توسط عالمان دین و فهم اجتناب ناپذیری پذیرش مدرنیته و لوازم ارزشی آن توسط ایشان برداشته خواهد شد. روشنفکران انقلاب اسلامی را تحولی؛ منجر به تسریع سکولاریزم و کاتالیزور مدرنیزاسیون در ایران می دانند.

۱/۲/۲- تبلیغ هویت اسلامی، پیشنهاد جریان فهم سنتی از اسلام؛ به عنوان مبنا و ایده محوری در مدیریت تحولات اجتماعی

توسعه کمی و کیفی "تبلیغ هویت اسلامی" مبنا و ایده محوری "جریان فهم سنتی از اسلام" برای مدیریت تحولات اجتماعی انقلاب است. این جریان، صحیح و غلط بودن تحولات اجتماعی را بر اساس مبنای "تبلیغ هویت اسلامی" تحلیل می کند. ایشان همواره خواستار آن هستند که در مدیریت تحولات اجتماعی، مدیران جامعه، شرایط اجتماعی را برای توسعه کمی و کیفی "تبلیغ هویت اسلامی" آماده نمایند. این جریان -ضمن مخالفت شدید با ایده اصلاح هویت اسلامی - برای حفظ هویت اسلامی در مقابل تهجمات و شبهات ناشی از تحولات اجتماعی به "تبلیغ هویت اسلامی" می پردازند. "تبلیغ هویت اسلامی" مبنا و محور تلاش های این جریان برای حفظ هویت اسلامی است. ریشه های فکری اعتقاد به کارآمدی تام تبلیغ در "جریان فهم سنتی از اسلام" در سه اصل اجتناب ناپذیر اندیشه این جریان قابل بررسی است:

۱- اجتناب ناپذیری حفظ هویت اسلامی برای دستیابی به زندگی بهتر

۲- اجتناب پذیری تفکیک تکامل معنوی از توسعه مادی در بررسی های موضوع شناسانه این جریان

۳- اجتناب ناپذیری توسعه کمی و کیفی تبلیغ هویت اسلامی برای حفظ هویت اسلامی

"جریان فهم سنتی از اسلام" مبتنی بر این اصول پیشنهاد می کنند تا -در همه برنامه ریزی ها و در همه عرصه ها- شرایط برای "تبلیغ هویت اسلامی" فراهم آید. جریان فهم سنتی از اسلام، از فضای ارزشی حاکم بر مدیران جامعه برای توسعه شرایط "تبلیغ هویت اسلامی" استفاده و در عمل از فرصت تاریخی انقلاب، برای توسعه کمی و کیفی "تبلیغ هویت اسلامی" بهره برداری نموده است. راه اندازی شبکه های ماهواره ای تبلیغی و تعریف مناسبت های جدید تبلیغی، نمونه ای از فعالیت های جدید این جریان برای تبلیغ اسلام است. همچنین شخصیت های این جریان از امکانات حکومتی مانند امامت جمعه و صدا و سیما و... که تناسب بیشتری با مبنای این جریان دارد برای تبلیغ اسلام استفاده می نمایند ولی نسبت به مسائلی مانند تولید الگوی پیشرفت اسلامی و تحول در علوم انسانی -که متناسب با مبنای تبلیغ نیست- سکوت می نماید. "جریان فهم سنتی از اسلام" برای نیل به غرض اصلی خود، به حوزه، دانشگاه و بخش اجرایی کشور توصیه

The World Development Indicators is the World Bank's premier annual compilation of data about development. The 2009 WDI includes more than 800 indicators in over 90 tables organized in 6 sections: World View, People, Environment, Economy, States and Markets, and Global Links

شاخص های جهانی توسعه (WDI) مهم ترین جمع آوری سالانه اطلاعات در خصوص توسعه است. WDI 2009 شامل بیش از ۸۰۰ شاخص در بیش از ۹۰ جدول اطلاعاتی است که در ۶ بخش تنظیم شده است: جهان نما، جمعیت، محیط زیست، اقتصاد، ملت ها و بازارها.

هائی دارد؛ که در واقع این توصیه ها ترجمان مبنا و ایده محوری این جریان در مدیریت تحولات اجتماعی است. ایشان برای مدیریت تحولات اجتماعی به سمت مبنای خود، خواستار "گسترش پاسخگویی حوزه های علمیه در موضوع تربیت فردی" به عنوان لازمه توسعه کمی و کیفی "تبلیغ هویت اسلامی" هستند. این جریان همچنین به دانشگاه های ایران توصیه می کند که؛ "استقلال علمی دانشگاه در پاسخگویی به نیازهای توسعه مادی" حفظ شود تا تأمین معاش مردم- که مقدمه دینداری است- با مشکل روبرو نشود. این جریان اجرای wdi در ساختارهای اجرائی را مشروط به عدم مخالفت قطعی با شرع می پذیرد. به عبارت دیگر التزام حوزه و دانشگاه و ساختارهای اجرائی به این توصیه ها، زمینه ساز گسترش کمی و کیفی تبلیغ هویت اسلامی است.

۱/۲/۳- تحقق هویت اسلامی، پیشنهاد جریان اسلام ناب؛ به عنوان مبنا و ایده محوری در مدیریت تحولات اجتماعی

در مقابل دو دیدگاه فوق، پدید آورندگان انقلاب اسلامی و جریان اسلام ناب در حوزه های علمیه با ظرافت بیشتری به تحلیل چگونگی مدیریت تحولات اجتماعی پرداخته اند. این جریان تحلیل و برنامه ریزی در تحولات اجتماعی را بر اساس مبنای "تحقق شاخص های هویت اسلامی"^۳ پی گیری می نماید. بر اساس این دیدگاه اگر در مدیریت تحولات اجتماعی زمینه سازی برای تحقق اسلام مبنای برنامه ریزی نباشد؛ هویت اسلامی حفظ نخواهد شد. به عبارت دیگر این جریان به مانند "جریان فهم سنتی از اسلام" با هرگونه اصلاح در هویت اسلامی -به نفع ارزشهای مدرن- مخالفتی بنیادین دارد ولی اکتفاء به "تبلیغ هویت اسلامی" را برای حفظ هویت اسلامی ناکارآمد می داند. مبانی فکری^۴ این جریان در اعتقاد به اقامه اسلام و نظام سازی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی در سه اصل اجتناب ناپذیر زیر خلاصه می شود:

۱- اجتناب ناپذیری حفظ هویت اسلامی برای دستیابی به زندگی بهتر

۲- اجتناب ناپذیری بررسی تأثیرات توسعه مادی بر تکامل معنوی

۳- اجتناب ناپذیری برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی

جریان اسلام ناب، مبتنی بر این اصول، به دنبال تولید الگوی پیشرفت اسلامی، تحول در علوم انسانی، تحول بنیادین در آموزش و پرورش و... می باشند. پی گیری این عناوین و عناوین مشابه از سوی این جریان، به غرض ایجاد تغییر در برنامه ریزی موجود در راستای محقق شدن هویت اسلامی در جامعه است. جریان اسلام ناب برای تحقق هویت اسلامی و مدیریت تحولات اجتماعی بر مبنای آن، پیشنهاد ایجاد تحول در حوزه های علمیه با محوریت راه اندازی کرسی های فقه حکومتی و ایجاد تحول در دانشگاه های ایران با محوریت اقتدار علمی در پاسخگویی به نیازهای مبنای انقلاب و ایجاد تحول در ساختارهای اجرائی با محوریت برنامه ریزی بر اساس شاخص های هویت

^۳ . فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات میدانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب ترین واجبه، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد. امام خامنه ای-۱۳۸۹/۳/۱۴

^۴ مبنای نظام اسلامی این است و امام اینجوری عمل کرد خطوط دیگری را هم در زمینه ی راه امام و خط امام میشود بیان کرد. آنچه که عرض شد، مهمترین و مؤثرترینها بود. خوب است برادران، جوانان، اهل فکر و تحقیق، طلاب، دانشجویان، روی این مبانی فکر کنند، روی اینها کار کنند. فقط متن باقی نماند؛ این متنها درست توضیح داده شود، تبیین شود. امام خامنه ای-۱۳۸۹/۳/۱۴

اسلامی را دارد. این توصیه های بنیادین در واقع زمینه سازی برای تحقق مبنای انقلاب در جامعه اسلامی است و در تکامل خود به نظام سازی اسلامی در ایران منجر می شود.

۱/۳- تبیین مراحل تحقق مبنای انقلاب، بر اساس ادبیات انقلاب؛ به عنوان محور دوم تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی

در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، بعد از اتمام شناسائی مبنای صحیح از مبنای غلط، برای مدیریت تحولات اجتماعی انقلاب؛ مراحل تحقق مبنای صحیح برای مدیریت تحولات اجتماعی (مراحل تحقق شاخص های هویت اسلامی) مورد بررسی قرار می گیرد. مبتنی بر مباحث این نقشه مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی (تحقق شاخص های هویت اسلامی) در پنج مرحله ی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی ترسیم شده است:

در مرحله انقلاب اسلامی- که مرحله اول تحقق مبنای انقلاب است- اختیارات اجتماعی از غیر معتقدین به مبنای انقلاب، سلب و در اختیار معتقدین به مبنای انقلاب، قرار گرفته است. در مرحله نظام اسلامی- که مرحله دوم تحقق مبنای انقلاب است- لوازم حرکت اجتماعی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی به صورت اجمالی تعریف و تبیین شده است. در مرحله دولت اسلامی- که مرحله سوم تحقق مبنای انقلاب است- توانمند سازی ساختارهای- مؤثر بر اداره جامعه- برای تحقق مبنای انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفته است. در مرحله جامعه اسلامی- که مرحله چهارم تحقق مبنای انقلاب است- به تدریج پذیرش اجتماعی برای تحقق مبنای انقلاب در ایران ایجاد می شود. در مرحله امت اسلامی- که مرحله آخر تحقق مبنای انقلاب است به تدریج الگوی محقق کننده مبنای انقلاب در جهان اسلام و جهان مستضعفین تکثیر می شود. تلاش برای حل مشکلات بشریت با استفاده از الگوهای تولید شده بر اساس اندیشه های اهل بیت علیهم السلام- که به معنای زمینه سازی جهانی ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه است- موضوع اصلی فعالیت اجتماعی شیعیان در این مرحله است. مبتنی بر این تقریر جمهوری اسلامی در مرحله سوم تحقق مبنای انقلاب اسلامی است. و باید چگونگی انتقال از این مرحله به مرحله جامعه اسلامی موضوع بحث جامعه قرار بگیرد. به عبارت دیگر نتیجه این قسمت از مباحث اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، زمینه سازی برای فهم سؤال مهم "چگونه از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی انتقال یابیم؟" می باشد. با تبیین ابتدائی این سؤال در نقشه راه و برای تبیین بیشتر این سؤال؛ مراحل تحول در حوزه های علمیه، مراحل تحول در دانشگاه های ایران و مراحل تحول در ساختارهای اجرائی-متناسب با مرحله دولت اسلامی- مورد بحث قرار می گیرد.

۱/۳/۱- تبیین مراحل تحول در حوزه های علمیه؛ متناسب با انتقال به مرحله جامعه اسلامی

مراحل تحول در حوزه های علمیه، به سه مرحله ۱- دوره تفقه با روش اخباری (گذشته استنباط از کتاب و سنت) ۲- دوره تفقه در مسائل فردی با روش اصولی (وضعیت فعلی در استنباط از کتاب و سنت) ۳- و دوره تفقه در مسائل اجتماعی و فردی با روش اصولی (آینده استنباط از کتاب و سنت) تقسیم می شود. مبتنی بر این تعریف از گذشته، حال و آینده حوزه های علمیه، سؤال اساسی در حوزه های علمیه این است؛ که "چگونه از مرحله استنباط اصولی مسائل فردی به مرحله استنباط اصولی مسائل اجتماعی انتقال یابیم؟" پاسخگوئی به این سؤال -در حوزه های علمیه- به انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی کمک می رساند.

۱/۳/۲- تبیین مراحل تحول در دانشگاه های ایران؛ متناسب با انتقال به مرحله جامعه اسلامی

همچنین مراحل تحول در دانشگاه های ایران، در سه مرحله ۱- دوره پاسخگوئی علمی به نیازهای توسعه مادی (وضعیت فعلی دانشگاه در ایران) ۲- دوره دوره پاسخگوئی به نیازهای علمی مبنای انقلاب (آینده میان مدت دانشگاه در ایران) ۳- و دوره تولید علم و تکنولوژی اسلامی (آینده بلند مدت دانشگاه در ایران) تقسیم می شود. مبتنی بر این تعریف از مراحل تحول در دانشگاه های ایران، سؤال اساسی در دانشگاه های ایران این است؛ که "چگونه از مرحله پاسخگوئی به نیازهای علمی توسعه مادی به مرحله پاسخگوئی به نیازهای علمی مبنای انقلاب انتقال یابیم؟" تبیین تفصیلی پاسخ به این سؤال باعث انتقال دانشگاه های ایران به مرحله پاسخگوئی به نیازهای علمی

مبنای انقلاب می شود؛ این انتقال سبب می شود تا دانشگاه نقش خود را در انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی ایفاء کند.

۱/۳/۳- تبیین مراحل تحول در ساختارهای اجرائی؛ متناسب با انتقال به مرحله جامعه اسلامی

مبتنی بر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، مراحل تحول در ساختارهای اجرائی، متناسب با انتقال جامعه از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی سه مرحله دارد. مراحل تحول در ساختارهای اجرائی شامل: ۱- مرحله برنامه ریزی؛ مبتنی بر ادبیات توسعه (وضعیت فعلی برنامه ریزی در ساختارها) ۲- مرحله تبیین تفاوت برنامه ریزی بر اساس توسعه غربی و برنامه ریزی بر اساس پیشرفت اسلامی (آینده میان مدت برنامه ریزی در ساختارها) ۳- و مرحله برنامه ریزی مبتنی بر ادبیات پیشرفت اسلامی (آینده بلند مدت برنامه ریزی در ساختارها) است. بنابراین مهمترین دغدغه انقلاب در این مرحله یافتن پاسخ در مورد سؤال "چگونه از مرحله بلند مدت برنامه ریزی مبتنی بر ادبیات توسعه به مرحله تبیین تفاوت برنامه ریزی مبتنی بر توسعه و برنامه ریزی مبتنی بر پیشرفت اسلامی انتقال یابیم؟" می باشد. پاسخ به این سؤال برای انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی دارای اولویت است.

۱/۳- تبیین موضوعات انتقال میان مراحل انقلاب؛ به عنوان محور سوم تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی

مبتنی بر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، برای حفظ جهت در تحولات اجتماعی نیاز است تا علاوه بر شناسایی مبنای صحیح از مبنای غلط و تبیین مراحل تحقق مبنای صحیح، موضوع انتقال میان مراحل تحقق مبنای صحیح پردازش شود. در این نقشه راه، موضوعات انتقال میان مراحل انقلاب در ۴ موضوع ۱- مسئله ولایت فقیه ۲- مسئله دفاع مقدس ۳- مسئله الگوی پیشرفت اسلامی و مسئله بانک اطلاعات اسلامی تعریف شده است. پردازش اجتماعی و اولویت دادن به هر یک از این موضوعات، انتقال نظام به مرحله دیگر را رقم می زند.

به عبارت دیگر با تحقق و پردازش "موضوع انتقال اول" (اسلام خودش حکومت دارد) مانع لیبرال دموکراسی - که در فضای مفهومی آن مرجع ارزش گذاری در جامعه بر اساس لیبرالیسم تفسیر می شود- برداشته شده و جامعه ایران از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی انتقال یافته است. همچنین با تحقق و پردازش "موضوع انتقال دوم" (معجزه دفاع مقدس) تئوری ولایت مطلقه فقیه و نظام اسلامی در مقیاس ملی و بین المللی تثبیت شده است. با تحقق و پردازش "موضوع انتقال سوم" (الگوی پیشرفت اسلامی) ساختارهای اداره جامعه می توانند برای تحقق مبنای انقلاب اسلامی برنامه ریزی همه جانبه داشته باشند و این به معنای انتقال نظام از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است. با تحقق و پردازش "موضوع انتقال چهارم" (بانک اطلاعات اسلامی) زمینه آموزش و پژوهش و تکثیر الگوی اسلامی انقلاب در جهان مستضعفین . جهان اسلام فراهم می آید.

بر این اساس، تلاش اجتماعی برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی می باشد؛ که خود شامل سه کثرت تلاش برای تحول در علوم انسانی در حوزه های علمیه، تلاش برای تبیین و تئوریزه کردن الگوی اداره جامعه بر اساس پیشرفت اسلامی در دانشگاه ها و تلاش برای دستیابی به نقشه راه تحول در ساختارهای اجرائی کشور می باشد. به عبارت دیگر با پردازش اجتماعی موضوع تحول در علوم انسانی، حوزه های علمیه از "مرحله استنباط اصولی مسائل فردی" به "مرحله استنباط اصولی مسائل اجتماعی" انتقال می یابند. همچنین با پردازش اجتماعی چگونگی اداره جامعه بر اساس الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه ها، این نهاد مهم علمی از "مرحله پاسخگوئی به نیازهای علمی توسعه مادی" به "مرحله پاسخگوئی به نیازهای علمی مبنای انقلاب" انتقال می یابد. در نهایت با پردازش اجتماعی چگونگی حرکت ساختارهای اداره جامعه به سمت پیشرفت اسلامی، بخش اجرائی کشور از "مرحله برنامه ریزی مبتنی بر توسعه" به "مرحله تبیین تفاوت توسعه غربی و پیشرفت اسلامی در برنامه ریزی" انتقال می یابد. انتقال حوزه های

علمیه و دانشگاه ها و بخش اجرائی کشور به مراحل تعریف شده، زمینه انتقال جامعه اسلامی را از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی را آماده می سازد.

به عبارت دیگر، پاسخ دادن به سؤال محوری "چگونه از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی انتقال یابیم؟" با تبیین محور سوم از محورهای سه گانه تبیین "جهت حرکت انقلاب اسلامی" امکان می یابد. با پردازش "وحدت و کثرت موضوع انتقال به مرحله جامعه اسلامی"، ضرورت پرداختن به تولید الگوی پیشرفت اسلامی از لحاظ اهمیت، تا سطح ابزار و وسیله انتقال به مرحله جامعه اسلامی ارتقاء می یابد؛ این در حالی است که مسئله الگوی پیشرفت در شرایط فعلی به عنوان یک موضوع در سطح سایر موضوعات مورد توجه قرار می گیرد. لازم به ذکر است که در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، با شناسائی مبنای صحیح تحولات اجتماعی و تبیین مراحل تحقق مبنای صحیح تحولات اجتماعی و همچنین پردازش وحدت و کثرت موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی مباحث مربوط به تبیین جهت در این نقشه راه به زبان ادبیات انقلاب پایان می یابد. در این نقشه راه تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی با دو ادبیات دیگر هم پردازش شده است؛ که تشریح آن را به زمانی دیگر موکول می نمائیم. انتهای پیام

علی کشوری

قم مقدس-۲۲ بهمن ۱۳۹۱